Scientific quarterly (scientific-research article) of Islamic world political research
Vol. 13, No. 1, Spring 2023, 171-187
DOI: 10.21859/priw-130108

A Reflection on the Observance of the Principle of Islamic Standards in Local Governments with an Emphasis on the Decisions of the Administrative Court of Justice

Meisam Nasehi[1], Ali Faghih Habibi[2], Keyvan Sedaghati[3]

Date of Received: 2022/08/18 **Date of Acceptance**:2022/12/22

Abstract

The principle of observing Islamic standards in Iran's legal system is beyond the limiting effect that it can have on discussions related to decentralization. Since this is a special principle of the Islamic Republic of Iran, a system that according to the wishes of its founder, Imam Khomeini, must be 100% in accordance with Islamic standards, it is considered necessary and essential to pay attention to it by the national and local authorities. The present study tries to evaluate the principle of compliance with Islamic standards in the approvals of Islamic Councils based on the criteria in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Therefore, in the present article, with the descriptive-analytical research method, we examine the aforementioned principle in the approvals of the Islamic councils, and it leads us to the conclusion that the guarantee of the non-unlawful implementation of the approvals of the Islamic councils with the standards of the Islamic Council through the Administrative Court of Justice not only is it not a solution, but it also requires the determination of an

1. PhD student in public law, Islamic Azad University, South Tehran branch, Tehran, Iran. meisam.nasehi@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.(responsible Author) , faghih.habibi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. keyvan.sedaghati@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

appropriate structure of It is the legislator's side so that the decisions of the Islamic councils do not contradict the standards of Islam.

Keywords: Islamic standards, Guardian Council, General Board of the Court of Administrative Justice, Local Units.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، صص ۱۸۷ – ۱۷۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۸

تأملی بر اصل رعایت موازین اسلامی در حکومت های محلی با تاکید بر آرای دیوان عدالت اداری

میثم ناصحی[۱]
علی فقیه حبیبی[۲]
کیوان صداقتی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

اصل رعایت موازین اسلامی در نظام حقوقی ایران فراتر از اثر محدودکننده‌ای است که می‌تواند بر روی بحث‌های مربوط به تمرکززدایی داشته باشد. ازآنجاکه این اصل خاص نظام جمهوری اسلامی ایران است، نظامی که بنا بر خواسته‌های بنیان‌گذار آن امام خمینی (ره) باید صد در صد منطبق با معیارهای اسلامی باشد، توجه آن توسط مقامات ملی و محلی امری لازم و ضروری تشخیص داده می شود. پژوهش حاضر تلاش دارد به ارزیابی اصل رعایت موازین اسلامی در مصوبات شوراهای اسلامی بر اساس معیارهای موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. لذا در نوشتار حاضر با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی اصل مزبور در مصوبات شورهای اسلامی می پردازیم و ما را به این نتیجه می‌رساند که تضمین خلاف شرع نبودن مصوبات شوراهای اسلامی با موازین شرعی از طریق دیوان عدالت اداری نه تنها راهگشا نیست بلکه نیازمند تعیین ساختار مناسب از سوی قانوگذار است تا تصمیمات شوراهای اسلامی مغایر با موازین اسلامی نباشد.

واژه‌های کلیدی: موازین اسلامی، شورای نگهبان، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، واحدهای محلی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران meisam.nasehi@gmail.com
۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.(نویسنده مسئول) faghih.habibi@gmail.com
۳. استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. keyvan.sedaghati@gmail.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

۱. مقدمه

با استقرار قانونی نظام جمهوری اسلامی در ایران و تصویب قانون اساسی، این نظام بر اساس اصل دوم این قانون بر توحید و قبول یکتایی خداوند متعال و «اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر او...» بنا گردید.

قانون‌گذاران اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول کلی که در قانون اساسی مورداشاره قرار می‌دهند، پس از اشاره به چگونگی استقرار حکومت جمهوری اسلامی و بیان آرمان‌ها و اهداف آن و راه‌های نیل به این اهداف، در اصل چهارم قانون اساسی با الزام ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی، به بیان معیاری در حوزه مقرره گذاری پرداخته‌اند تا روح حاکم بر نظام جمهوری اسلامی، از این طریق حراست و حفاظت گردد. بدین منظور موازین اسلامی بر کلیه قوانین و مقرراتی که در کشور تصویب می‌گردد، حاکم دانسته شده است و فقهای شورای نگهبان به‌عنوان مرجع صیانت از این امر مشخص گردیده‌اند.

در اصل چهارم قانون اساسی بیان‌شده است که کلیه قوانین و مقررات می‌بایست بر اساس موازین اسلامی باشد. مشابه این عبارت غیر از اصل چهارم، در مقدمه قانون اساسی و پانزده اصل دیگر ذکرشده است.

از طرفی در اصل هفتم، قانون اساسی برای توجیه وجود انواع و اقسام شوراها و ازجمله شوراهای محلی در نظم حقوقی کشور به دو آیه ی شریفه ی قرآن کریم استناد می نماید. مطابق این اصل «طبق دستور قرآن کریم: (و امرهم شوری بینهم) و (شاورهم في الامر) شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شورای شهرستان، شورای شهر، شورای محل، شورای بخش، شورای روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند»؛ بنابراین در نظام حقوقی ایران مصداق بارز نظام تمرکززدایی محلی شوراهای اسلامی است.

با اعطای صلاحیت تصمیم گیری به واحدهای محلی در امور محلی یکی از دغدغه های اصلی قانونگذار عدم مغایر بودن مصوبات با موازین شرعی بوده است که در فصل هفتم نیز در اصل یک‌صدم قانون اساسی ضمن سخن از احترام به «نظام جمهوری اسلامی ایران» در اصل یکصدو پنجم به‌صورت مستقیم مقرر می دارد که: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد».

تمامی این اصول نشان از اهمیتی دارد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه تمرکززدایی رعایت اصول و موازین اسلامی را امری لازم قلمداد می‌نماید. به‌علاوه، این تصور مبین جایگاه مهم

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

اندیشه‌های اسلامی در اصل مفهوم شوراست.

بنابراین هدف ما در این مقاله این است که به ارزیابی اصل رعایت موازین اسلامی در مصوبات شوراهای اسلامی بر اساس معیارهای موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سپس به بررسی رویکرد دیوان عدالت اداری از منظر آرای صادره بپردازیم.

اثر بررسی موضوع از آن حیث حائز اهمیت است که چالش‌های مرتبط با مصوبات شوراهای اسلامی که مغایر با شرع می باشد، صرفاً از طریق دیوان عدالت اداری مؤثر نخواهد کرد و کارایی دیوان مزبور لزوماً از حیث کنترل قضایی بر مصوبات به جهت عدم مغایرت قانونی نمود خواهد داشت.

۲. مفهوم موازین اسلامی

واژه «موازین»، جمع کلمه «میزان» است که در فرهنگ‌های لغت به‌اندازه، مقدار (عمید، ۱۳۸۹: ۹۹۹) و مقیاس (معین، ۱۳۸۸: ۴۴۹۳) تعریف‌شده است و این واژه یک اصطلاح خاص فقهی نیست بلکه قانون‌گذاران اساسی از معنای لغوی این واژه برای نمایش مفهوم موردنظر خود استفاده کرده‌اند. با این نگاه موازین اسلامی یعنی معیارها و شاخصه‌هایی که انطباق با شرع یا خلاف شرع بودن یک مسئله را مشخص می‌کند. (کعبی، ۱۳۹۳: ۸-۷) همچنین موازین فقهی شامل کلیه احکام و گزاره‌های الزامی کلی و جزئی فقهی شده و لذا احکام جزئی یا فرعی شرعی و همچنین قواعد فقهی را در بر خواهد گرفت. چراکه در حقیقت قواعد فقه نیز نوعی مسائل فقهی کلی هستند که منشأ استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و می‌توان بیان نمود که قواعد فقهی نیز بخشی از احکام به شمار می‌روند با این تفاوت که بر مبنای آن‌ها، فتاوای متعددی از فقیه صادر می‌گردد، درحالی‌که احکام و مسائل فقه مباحثی هستند که در باب قوانین و مقرراتی که پروردگار در مورد جزئیات اعمال و رفتار بندگان وضع کرده، مطرح می‌شوند. تفاوت قواعد فقه با احکام یا مسائل فقه در این است که این قواعد عام و شامل هستند و نه خاص و موردی؛ (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲-۳) برای مثال قاعده لا ضرر یک حکم کلی است لیکن اجبار صاحب دیوار مشرف‌به خرابی به تخریب آن[1] به علت خوف اضرار به غیر یک حکم جزئی است. درهرصورت موازین فقهی کلیه احکام کلی و جزئی فقهی را چه تحت عنوان قواعد فقه و چه تحت عنوان مسائل فقهی در برمی‌گیرد.

بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که به اعتقاد بسیاری از علما و اسلام شناسان، احکام فقه همه دستورات مربوط به فعل و ترک فعل مکلفان در حوزه‌های گوناگون، احکام تکلیفی مانند وجوب و حرمت،

۱. ماده ۱۲۲ قانون مدنی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

احکام وضعی مانند ملکیت و طهارت، احکام مربوط به فرد و رفتارهای شخصی با خانوادگی و احکام مربوط به جامعه و دولت و رفتارهای عمومی و حتی جنبه‌های اعتقادی و اخلاقی - که به‌طورکلی جنبه فقهی در معنای خاص ندارد - را نیز در برمی‌گیرد به شرطی که این شاخصه‌ها و خطوط، جنبه «باید» و «نباید» داشته باشند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱: ۵) درنتیجه، جنبه‌های الزامی اخلاق یا اعتقادات نیز مشمول آنچه در این اصل تحت عنوان موازین اسلامی آمده است قرار می‌گیرد. البته آن جنبه‌های اخلاقی که شارع در مورد آن‌ها نظر دارد اما در حد وجوب و یا در حد حرمت نیست، در زمره احکام فقهی که در این اصل مدنظر قانون‌گذار اساسی بوده است قرار نمی‌گیرد. (کعبی، ۱۳۹۳: ۹)

شایان ذکر است مفهوم موازین اسلامی در اصول بیستم، بیست و یکم، بیست و ششم، شصت و یکم، نود و چهارم، یک‌صد و پنجم، بند یازده یک‌صد و دهم، یک‌صد و دوازدهم، یک‌صد و چهل و هفتم، یک‌صد و پنجاه و یکم، یک‌صد و شصت و سوم، یک‌صد و شصت و هشتم، یک‌صد و هفتاد و یکم، یک‌صد و هفتاد و پنجم و یک‌صد و هفتاد و هفتم قانون اساسی مورداشاره قرارگرفته است.

۳. اصل رعایت موازین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران

اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول قانون اساسی است که زیربنای تقنینی نظام جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد و بر اساس اصل مزبور، کلیه قوانین و مقررات حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، باید منطبق بر موازین اسلامی باشد. درواقع، این اصل بیانگر لزوم ابتنای تمام قواعد قانونی حاکم، با موازین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. الفاظ عموم و اطلاق که ازجمله اصطلاحات علم اصول می‌باشند بافراست فقهای مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی در اصل چهارم، گنجانده شد. عموم و اطلاق مصرح در این اصل در مقام تبیین دامنه شمول اسلامی بودن قوانین و مقررات در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران است و نشان می‌دهد که حکومت موازین اسلامی، علاوه بر قانون و مقررات، اصول قانون اساسی را نیز در برمی‌گیرد؛ یعنی علاوه بر لزوم انطباق همه اصول قانون اساسی با موازین اسلامی، کلیه مواد، تبصره‌ها و بندهای هر قانون و مقرره‌ای که در نظام جمهوری اسلامی حاکم می‌باشد نیز می‌بایست منطبق با شریعت اسلام باشد. (پروین، افکار سرند و درویش متولی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) با توجه به گستره واژه «قانون» در مفهوم عام آن‌که مشتمل بر تصویب‌نامه و بخشنامه و آیین‌نامه دولتی نیز می‌گردد، این قبیل مصوبات نیز باید از قاعده کلی در اصل چهارم، پیروی نمایند. علی‌رغم اینکه قانون به معنای عام شامل مقررات نیز می‌گردد. ولی قانون‌گذار برای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

جلوگیری از هرگونه تفسیر ناصحیح کلمه در ادامه اصل «مقررات» را نیز اضافه نموده است. این شیوه نگارش و تأکیدات بعدی قانون‌گذار در اصول دیگر ازجمله ذیل اصل ۱۷۷ قانون اساسی به‌خوبی دلالت می‌کند که اصل چهارم از هرگونه تخصیصی ابا دارد و هیچ‌گاه تغییرپذیر نمی‌باشد (ارسطا، ۱۳۸۹: ۳۲۲).

اصل مزبور مهم‌ترین اصلی است که در قانون اساسی جایگاه احکام شرع در قانون‌گذاری را در نظام جمهوری اسلامی ایران مشخص نموده و به‌عنوان یک اصل فرا دستوری بر سایر اصول قانون اساسی نیز برتری دارد و عهده‌دار و ضامن اجرای اصول و مبانی اعتقادی مذکور در آن اصل، «اصل چهارم» همان قانون است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ۱۵۲-۱۵۳) که اشعار می‌دارد: ((کلیه قوانین و مقررات مدني، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامیی باشد)). این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسي و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امربر عهده فقهای شورای نگهبان است. از صدر اصل مزبور نکاتی برداشت می‌گردد که عبارت‌اند از:

لفظ «کلیه» استفاده عموم می‌شود و بنابراین، هرچند که بتواند مصداق عنوان «قانون» یا «مقررات» قرار گیرد مشمول این قسمت اصل چهارم خواهد بود و باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

از تعبیر «بر اساس موازین اسلامی»،که اعم از «احکام اسلامی» است، می‌آید که قوانین و مقررات این کشور نه‌فقط با احکام فرعی و فقهی اسلامی،که باید با اصول عقیدتی آن نیز مطابق باشد و مؤید آن، اصل دوم قانون اساسی است. از عبارت «و غیر این‌ها» استفاده می‌شود که کلماتي مانند «مدنی، جزایی، مالی... و سیاسی» عناوین منحصر نیستند و هر عنوان دیگري را غیر ازآنچه در اصل چهارم آمده است درصورتی‌که قانون یا مقررات باشد- می‌توانند شامل شوند. (همان)

عموم موجود در صدر اصل چهارم اقتضا دارد که کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی که داراي وصف«قانون» باشد مطابق موازین اسلام نیز باشد. همچنین اطلاق اصل چهارم شامل کلیه قوانین و مقرراتی است که در جمهوری اسلامی ایران هر سه قوه و سایر نهادهای حاکمیتی اعمال می‌گردد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۱۴)

در حقوق کنونی جمهوری اسلامی ایران در همه‌ی گرایش‌ها و رشته‌های آن نمی‌توان بدون ارجاع به اصل چهارم قانون اساسی سخنی به میان آورد و تحلیلی ارائه داد. اهمیت اصل چهارم به‌عنوان ترجمان حقوقی ویژگی تئوکراتیک نظام جمهوری اسلامی ایران در آن است که پایه و اساس کل نظام حقوقی کشور است. مطابق این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اسلام و هنجارهای موجود در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

آن به‌عنوان منبع اصلی قانون‌گذاری معرفی می‌گردد. حاکمیت که در درجه‌ی اول الهی است، در جلوه‌ی قانون‌گذاری خود اساساً به این منبع تکیه دارد. تأکیدات مکرر لفظی و جدیت فراتر از حد در نگارش ادبی این اصل قانون اساسی هیچ تردیدی را در خصوص اهمیت موازین شرعی و به‌طورکلی نقش دین و مذهب در حقوق ایران برجای نمی‌گذارد. تمامی حقوق و آزادی‌ها، امتیازات و مطالبات و ادعاهای افراد، چه در قالب فردی، چه جمعی و غیر آن در پناه برتری بلاشک حقوق اسلامی قابل‌درک و فهم است. چنین وضعیتی دارای آثار فراوانی در همه‌ی زمینه‌های کلان، نظیر موضوعات مرتبط با حقوق بشر و نیز سازوکارهای کلی اِعمال عدالت و دادگستری نیز هست. مسلماً در صورت تعارض میان یکی از حقوق مرتبط با حقوق اساسی، اداری، مدنی، جزایی و غیر آن با یکی از موازین شرعی، معیار برتری با دومی است. (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۴۸)

٤. واکاوی اصل رعایت موازین اسلامی با مصوبات شوراهای اسلامی در پرتو آرای دیوان عدالت اداری

در اصل یکصدوپنجم قانون اساسی که در مباحث تمرکززدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار-است، چنین مقرر گردیده است: «تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد». قانون اساسی در اینجا مرجع مشخصی را برای کنترل عدم مغایرت تصمیمات شوراها با موازین اسلامی به‌صورت صریح معرفی نمی‌کند. این امر برخلاف وظیفه‌ای است که در مورد قوانین عادی و حتی مقررات دولتی به‌صراحت از سوی قانون اساسی به شورای نگهبان واگذار گردیده است، چراکه این شورا مرجع انطباق آن‌ها با موازین شرعی است. یافتن راه‌حل حقوقی برای حل این مسئله شاید چندان پیچیده نبوده و با استناد به اصل چهارم قانون اساسی بتوان راه‌حل آن را پیدا نمود؛ بنابراین در ادامه به آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیرامون اصل رعایت موازین اسلامی در مصوبات شوراهای اسلامی خواهیم پرداخت.

۴-۱. عدم توجه به امریه رهبری

فرامین و دستورات مقام رهبری و نمایندگان ایشان از هنجارهایی هستند که تصمیمات اداری نباید مغایرتی با آن‌ها داشته باشند؛ بنابراین، می‌توان به ادعای مغایرت مصوبه با فرامین رهبری، در دیوان ابطال مصوبه را خواست و دیوان می‌تواند سازمان اداری را ملزم به اجرای فرامین رهبری کند. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱: ۳۴۵) در برخی از آرای دیوان که به ادعای خلاف شرع بودن مصوبات به ادعای

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

مخالفت با رهنمودهای و دستورات مقام رهبری مطرح است، دیوان عدالت اداری پرونده را به شورای نگهبان فرستاده و فقهای شورای نگهبان در صورت مغایرت با فرمان رهبری آن را خلاف شرع محسوب کرده است. در ذیل به نمونه‌ای از این آرا اشاره می‌کنیم:

-دادنامه شماره ۴۰۶ مورخ ۱۳۷۸/ ۱۲ / ۲۲ به خواسته‌ی ابطال مصوبه شورای شهر تهران در خصوص تغییر اساسنامه سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران

در دادنامه مزبور به شرح نظریه شماره ۷۸/ ۲۱ / ۶۳۰۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۵ فقهای محترم شورای نگهبان که عیناً نقل می‌شود. با توجه به اینکه مقام معظم رهبری امر به حفظ وضع مستفاد از اساسنامه سابق فرموده‌اند و شورای شهر تهران بدون رعایت بعض مواد آن (مثل اصلاحیه ماده ۱۳) اقدام به تغییر اساسنامه سابق کرده است، فلذا اقدام شورای شهر و تغییر اساسنامه سابق خلاف موازین شرع شناخته شد؛ بنابراین مصوبه مورد اعتراض در حد مندرج در نظریه فوق‌الذکر مستندا به قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ ابطال می‌شود.»

قضیه‌ی دعوی ازاین‌قرار است که شورای شهر تهران طی تصمیمی مبادرت به تغییر اساسنامه سازمان فرهنگی هنری شهرداری نموده است و در پی تغییر اساسنامه عضویت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج در هیأت مدیره منتخب شورای اسلامی شهر تهران را حذف کرده است. شاکی در قسمتی از استدلالات خود بیان می‌کند «مقام معظم رهبری در خصوص عضویت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج در هیأت امنای سازمان فرهنگی هنری صراحت اعلام فرمودند که عضویت فرمانده نیروی مقاومت بسیج در هیأت امنای آن سازمان دستور است و هیچ ارتباطی به آئین‌نامه و برنامه‌های سازمان ندارد.» به نظر می‌رسد این قسمت از استدلال شاکی مبنای نظر فقهای شورای نگهبان در خصوص غیرشرعی بودن مصوبه‌ی فوق الاشاره، قرارگرفته است؛ اما اینکه آیا مغایرت با امر مقام معظم رهبری می‌تواند مبنای مغایرت با شرع قرار بگیرد یا نه؟ به نظر می‌رسد برخی «به اقتضای مکتبی بودن نظام سیاسی و ولایت دینی و فقهی مقام رهبری، رویه‌ی شورای نگهبان در دعوای شرعیت مقررات دولتی حاکی از آن است که آراء و اندیشه‌های فقهی مقام رهبری نیز جایگاه ویژه‌ای در اظهارنظرهای فقهی شورای نگهبان داشته است.» (شیرزاد، ۱۳۹۲: ۴۱) اما نظر مقام رهبری در دعوی موردبحث، یک نظر فقهی نیست بلکه یک دستور است که شاید بتوان با توجه به جایگاه مقام رهبری در اصل پنجم ولایت امر و امامت امت» و اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی که قوای حاکمه را زیر نظر ولایت امر و امامت امت قرار می‌دهد، آن را به‌عنوان منبعی شرعی، دلیلی برای ابطال مصوبات در نظر گرفت. به‌عبارت‌دیگر، اگر به مقام رهبری به‌عنوان ولی‌فقیه حاکم بر جامعه‌ی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

اسلامی بنگریم، سخنان غیر فقهی ایشان در اداره‌ی جامعه‌ی سیاسی همانند نظرات فقهی ایشان قابلیت استناد، به‌عنوان یک منبع شرعی را دارد، به این دلیل که سخنان از فقیهی صادرشده است که حاکم سیاسی نیز است. از دیگر نظراتی که فقهای شورای نگهبان با توجه به استدلال فوق، صادر نموده‌اند، دادنامه شماره ۳۶۳ مورخ ۰۳/ ۰۸/ ۸۳ است (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۴۵).

۴-۲. اضرار بلا تدارک

قاعده لا ضرر از مهم‌ترین قواعد فقهی است که مور استناد بسیاری از احکام شرع قرارگرفته است. بر این اساس شارع، ضرر غیر متدارک را جایز نمی‌داند و ضرر غیر متدارک را نفی کرده است (محقق داماد ۱۳۷۸، ۱۵۱). با بررسی آرای دیوان عدالت اداری فقهای شورای نگهبان با توجه به‌قاعده لا ضرر مصوبه شورای های اسلامی شهر ارومیه به دادنامه شماره ۳۱۶ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲ با موضوع ابطال قسمتی از مصوبه شورای شهر ارومیه مبنی بر اختصاص قسمتی از اراضی بایر به شهرداری به‌طور رایگان در زمان تفکیک اراضی مزبور و شهر قم به دادنامه شماره ۴۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ مبنی بر اخذ چهل برابر قیمت منطقه‌ای با عنوان توافق با بهای خدمات ناشی از تفکیک پلاک ثبتی ۱۰۹۷۷ اصلی بخش یک را خلاف شرع اعلام نموده است[1].

۴-۳. مصادره و تملک بلاجهت

مصادره و تملک در حقوق اداری از امتیازات حقوق عمومی محسوب می‌شوند که مقامات عمومی و اداری از آن‌ها در راستای انجام بهتر خدمات عمومی بهره‌مندند. لیکن امروزه سلب مالکیت و مصادره به‌شدت مورد کنترل قضایی محاکم اداری بوده و همچنین در ایران انطباق آن با موازین شرعی نیز مسئله‌ای است که همواره موردتردید قرار می‌گیرد. (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۴۶) در ادامه به چند دادنامه صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت مرتبط با موضوع خواهیم پرداخت و سپس به تحلیل آن می‌پردازیم.

۴-۳-۱. دریافت قسمتی از زمین و یا بهای آن درازای تفکیک و افراز

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اکثریت آرا به دادنامه شماره ۳۳۳ مورخ ۹۰/۸/۹ به شرح ذیل

۱. در موارد مشابه دیگر شورای نگهبان مصوبه اعتراضی را غیرشرعی ندانسته است؛ مانند دادنامه شماره ۸۶۳ - ۸۶۴ مورخ ۱۳۸۷/۱۲/۱۸ به خواسته‌ی ابطال مصوبه شورای شهر گرگان مبنی بر دریافت عوارضی تحت عنوان عام‌المنفعه بابت موافقت با تفکیک اراضی، دادنامه شماره ۶۳۴ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ به خواسته‌ی ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان مبنی بر دریافت قسمتی از اراضی و یا بهای آن به ازای هزینه خدمات تفکیک و افراز و دادنامه شماره ۲۷۵ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۶ به خواسته‌ی ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر قم که متضمن دریافت قسمتی از اراضی مورد درخواست تفکیک است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

مبادرت به صدور رأی نموده است:

نظر به این‌که مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰، اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی به تجویز قانون‌گذار منوط شده و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه‌های شماره ۴۹۲ -۴/۱۱/۱۳۸۹ و ۴۵۹ - ۲۰/۱۰/۱۳۸۹ و ۳۹۳ - ۲۹/۹/۱۳۸۹ و ۲۱۸ - ۹/۴/۱۳۸۷ مصوبات شوراهای اسلامی تعدادی از شهرهای کشور مبنی بر دریافت قسمتی از اراضی و یا بهای آن به ازای هزینه خدمات تفکیک و افراز را ابطال کرده است و به‌موجب نظر فقهای شورای نگهبان، دریافت وجه با تجویز آیین‌نامه و دستورالعمل مغایر شرع است بنابراین به استناد حکم قانونی و با وحدت ملاک از آراء مذکور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بند ۸ مصوبه شماره ۲۴ - ۱۵/۵/۱۳۸۲ شورای اسلامی شهر آباده و فراز آخر نامه شماره ۳۷۸۲ مورخ ۲/۵/۱۳۸۶ شهردار آباده که متضمن دریافت قسمتی از زمین و یا بهای آن درازای انجام تفکیک و افراز است به‌موجب بند یک ماده ۱۹ و مواد ۲۰ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری، از تاریخ صدور، ابطال میشود.

۴-۳-۲. تملک زمین‌های اشخاص به‌صورت رایگان

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با اکثریت آراء به دادنامه شماره ۴۸۴ مورخ ۹۱/۱/۱۷ به شرح ذیل به صدور رأی مبادرت نموده است:

نظر به این‌که قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۳۹- ۲/۳/۱۳۸۹ اعلام کرده است که: «موضوع مصوبه شماره ۲۰۱ جلسه شورای اسلامی شهر اهواز، در جلسه مورخ ۲۹/۲/۱۳۸۹ فقهای معظم شورای نگهبان موردبحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقهای محترم به شرح زیر اعلام می‌گردد، با فرض این‌که هیچ قانونی برای استانداری‌ها یا شورای شهر تجویز این‌که قسمتی از زمین‌های ملکی اشخاص را مجاناً به شهرداری تملیک نمایند وجود ندارد، فلذا اصل مصوبه استانداری خلاف موازین شرع بوده و بالتبع موضوعی برای مصوبه شورای شهر باقی نمی‌ماند.» در اجرای مواد ۴۲ و ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر اهواز از تاریخ تصویب صادر و اعلام می‌شود و با توجه به ابطال مصوبه به لحاظ مغایرت با موازین شرعی، موجبی برای اتخاذ تصمیم در خصوص ادعای مغایرت مصوبه با قانون وجود ندارد.

۴-۳-۳. غیرشرعی بودن مصوبه بلحاظ واگذاری قسمتی از مساحت اراضی اشخاص به‌طور رایگان به شهرداری

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به دادنامه شماره ۵۱۷ مورخ

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

۹۱/۷/۲۴ به شرح ذیل به صدور رأی مبادرت نموده است:

الف: نظر به این‌که قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۴۸۳- ۲۰/۱۱/۱۳۸۹ اعلام کرده است که: موضوع مصوبه مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ کمیته فنی کمیسیون ماده پنج شهر اراک در قسمت اختصاص ۲۵ درصد یا ۴۵ درصد از زمین متقاضیان احداث بنا که سند املاک آن‌ها باغ است، در جلسه مورخ ۶/۱۱/۱۳۸۹ فقهای معظم شورای نگهبان موردبحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهای معظم به شرح ذیل اعلام می‌شود: اطلاق مصوبه نسبت به مواردی که مقادیر مقرر در مصوبه زائد بر نیاز باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد. در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم بر ابطال اطلاق مصوبه در قسمت مورد شکایت از تاریخ تصویب صادر و اعلام می‌شود.

ب: طبق ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، حدود وظایف و اختیارات کمیسیون ماده ۵ قانون مزبور مشتمل بر بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آن‌ها و سایر امور مربوط تعیین و احصاء شده است. نظر به این‌که وضع قاعده خاص مبنی بر الزام مالکان به واگذاری قسمتی ازملک خود به شهرداری در قبال موافقت با احداث ساختمان، خارج از حدود اختیارات مصرح برای کمیسیون ماده ۵ در قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران است، بنابراین آن قسمت از ضوابط و مقررات احداث بنا در کاربری باغ - بنا و اراضی که دارای سند باغ هستند مصوب ۱۰/۱۰/۱۳۸۶ کمیته فنی کمیسیون ماده ۵ شهر اراک که به‌موجب آن برای موافقت با احداث بنا در باغات، واگذاری درصدی از اراضی به شهرداری را به‌منظور تأمین امکانات شهری پیش‌بینی کرده است خارج از حدود اختیارات کمیسیون ماده ۵ تشخیص و به استناد بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌شود.

۴-۴. عدم مجوز قانونی دلیلی بر غیرشرعی بودن مصوبات

۴-۴-۱. دادنامه شماره ۶۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ مبنی بر عدم وجود مجوز قانونی

به موجب دادنامه شماره ۶۲۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع مصوبه شماره ۲/ ۳۱۰۶/ش- ۱۳۸۳/ ۷ / ۱۸ شورای اسلامی شهر مشهد، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۵ فقهای شورای نگهبان مصوب راه مزبور خلاف موازین شرع شناخته نشد لکن در نظریه خویش اعلام داشتند: "چنانچه مجوز قانونی وجود نداشته باشد خلاف موازین شرع می‌باشد" که از این حیث شورای مذکور عدم مجوز قانونی را مصادف با غیرشرعی بودن مصوبه بیان نمودند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

۴-۴-۲. دادنامه شماره ۱۹۸ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ مبنی اخذ عوارض ابقای تقسیم زمین‌های داخل محدوده و بدون تفکیک قانونی

با توجه به نامه شماره ۹۱/ ۳۰ / ۴۶۹۷۳ - ۱۳۹۱/ ۳ / ۲۴ قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان مبنی بر این‌که موضوع‌بند ۵ ماده ۱۸ از تعرفه عوارض محلی مصوب سال ۱۳۸۹ شورای شهر اردبیل با عنوان عوارض ابقای تقسیم زمین‌های داخل محدوده و بدون تفکیک قانونی، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/ ۳ / ۲۳ فقهای معظم شورای نگهبان موردبحث و بررسی قرار گرفت که خلاف موازین شرع شناخته نشد و چنانچه مجوز قانونی وجود نداشته باشد، خلاف موازین شرع می‌باشد.

با توجه به این‌که در زمان تصویب مصوبه مورد اعتراض در قوانین موضوعه حکمی مبنی بر تجویز اخذ عوارض تفکیک مورد تصویب مقنن قرار نگرفته است و هیأت عمومی دیوان مستند قانونی مبنی برخلاف قانون بودن نیز اشاره‌ای ننموده است اما در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری و با لحاظ فراز آخر از نظریه فقهای شورای نگهبان حکم به ابطال مصوبه مورد اعتراض از زمان تصویب آن صادر و اعلام می‌شود.

۴-۴-۳. دادنامه شماره ۱۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ مبنی بر مغایر بودن مصوبه با قانون

فقهای محترم شورای نگهبان بند (۲) ماده (۲۴) مصوبه شورای شهر تبریز مستقلاً خلاف موازین شرع تشخیص داده نشد، ولی چون خلاف تبصره (۴) ماده‌واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷/ ۸ /۲۹ می‌باشد، از زمان تصویب در حدود مغایرت با مصوبه مذکور باید ابطال شود.

۵. تحلیل آرا دیوان عدالت اداری

از آنجایی که مطابق اصل یکصد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احکام قضات می بایست مستند و مستدل به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است و یکی از اصول حقوقی مسلم در نظام حقوقی ایران با توجه به مکتبی بودن نظام جموری اسلامی ایران رعایت اصل موازین اسلامی در تصمیمات مقامات حکومتی است که این امر مبین اهمیت و حساسیت مؤسسان قانون اساسی در زمان تدوین آن می باشد که در نظام جمهوری اسلامی ایران حتی واحدهای محلی در امور محلی که غالب این امور جنبه توزیع خدمات شهری دارد، مکلف به رعایت اصل مزبور هستند و همین اصل بیانگر تمایز نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام های سیاسی کشورهای دیگر می باشد

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

و مهمتر آنکه قانونگذار در راستای رعایت اصل موازین اسلامی به موجب ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری سازوکاز قانونی همراه با تخصص و تجربه را که برعهده فقهای شورای نگهبان می باشد را پیش بینی نموده است. با ملاحظه و بررسی آرای صادره هیات عمومی دیوان عدالت اداری که شرح آن در مبحث قبلی بیان شد از چند جهت قابل ارزیابی و تحلیل است:

نخست: تأمین نیازمندی‌های شهرداری‌ها با استفاده از اراضی و املاک اشخاص به‌منظور ایجاد تأسیسات عمومی شهر به‌حکم قوانین به استناد لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامههای عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۵۸ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۲۹/۸/۱۳۶۷ مستلزم تملک اراضی و املاک موردنیاز بر اساس قوانین مربوط است. لذا تملک رایگان اراضی اشخاص، یا دریافت بهای آن به‌منظور تأمین تأسیسات عمومی شهری «سهم خدمات» درازای موافقت با تفکیک اراضی مذکور بااعتبار مالکیت مشروع و اصل تسلیط به شرح اصل ۲۲ قانون اساسی مغایر است.

دوم: شورای نگهبان در اظهارنظری نبود مجوز قانونی را شرط خلاف موازین شرع بودن دانسته است. جالب‌تر آنکه هیأت عمومی دیوان نیز ابتدا با استناد به چند ماده‌ی قانونی مصوبه‌ی مورد شکایت را مغایر قوانین تشخیص داده است، سپس با تمسک به نظر فقهای شورای نگهبان، مصوبه را به دلیل مغایرت با قوانین، مالاً مغایر با موازین شرع دانسته و ابطال کرده است؛ یعنی مصوبه به جهت مغایرت با شرع و مستند به ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری ابطال گشته است.

سوم: مشاهده می‌شود که فقهای شورای نگهبان فراتر از صلاحیت قانونی خود، مبنی بر تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مورد اعتراض با موازین شرعی، عمل کرده و در مورد قانونی بودن یا نبودن مصوبه نیز اظهارنظر نموده‌اند.

چهارم: همان‌طور که ملاحظه گردید فقهای شورای نگهبان بدون ذکر دلیل و توجیهی با بیان این جمله: «مصوبه خلاف موازین شرع تشخیص داده شد» بسنده کرده‌اند. هرچند فقهای شورا مطابق قوانین وظیفه‌ای در بیان دلیل غیرشرعی بودن مصوبات ندارند، لکن ذکر دلیل موجب روشن شدن ذهن مقامات وضع‌کننده مصوبه در وضع مصوبات آتی می‌شود. از سوی دیگر هیأت عمومی دیوان نیز در متن رأی تنها به نقل نظر شورای نگهبان اکتفا کرده است، بدون آنکه دلایل قانونی برای ابطال مصوبه ذکر نماید چراکه شاخص رأی متقن حسب مورد عبارت از رعایت قوانین و مقررات مربوط، متکی بودن رأی بر تبیین مبانی استنباط، منطقی بودن و قدرت اقناع‌کنندگی رأی و جامعیت و شفافیت و عدم وجود ابهام و اجمال است و

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

همچنین گرچه حق مالکیت از حقوق بنیادین انسان بوده که در دو سده اخیر در قوانین اساسی موردتوجه قرارگرفته است. «اصل احترام مطلق به‌حق مالکیت»، «اصل سلب مالکیت تنها برای منافع عمومی با پرداخت بهای عادلانه» و «اصل ممنوعیت مصادره اموال به‌عنوان مجازات». در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۲ و ۴۷ احترام به‌حق مالکیت مورد تضمین قرارگرفته است. این دو اصل با عبارات مختلف بیان «اصل احترام مطلق به‌حق مالکیت» هستند. قید انتهای اصل ۲۲ «مگر به‌حکم قانون» دو گونه قابل تفسیر است؛ بنا بر تفسیر اول این استثناء محدود به موازین شرعی و بنا بر تفسیر دوم محدود به سلب مالکیت برای منافع عمومی پس از پرداخت بهای عادلانه است. اگرچه بنا بر هر یک از این دو تفسیر احترام به‌حق مالکیت در حقوق ایران محفوظ است ولی تجربه چندین دهه اجرای قانون اساسی، اصلاح آن و اضافه شدن اصول مربوط به منع مصادره و منحصر شدن استثنای سلب مالکیت به تأمین منافع عمومی بعد از پرداخت بهای عادلانه را گریزناپذیر ساخته است. (امینی و کاشانی، ۱۳۹۶: ۱۷۱) و تاکنون با بررسی نظریات شورای نگهبان تفکیک، معیار و مصادیقی پیرامون تحدید حدود اصل احترام به‌حق مالکیت، مشاهده نشده است.

نحوه نگارش اصل ۲۲ قانون اساسی و عدم پیش‌بینی اصل مستقلی برای سلب مالکیت برای منافع عمومی باعث تصور اشتباه برخی محققین غیر ایرانی شده است و چنین تصور کرده‌اند که در قانون اساسی ایران سلب مالکیت بدون پرداخت غرامت تجویزشده است (همان، ۱۸۱) و نقض حقوق مالکانه از سوی مقامات عمومی در محتوا آرای دیوان از فراوانی بسیاری برخوردار است که این امر نشان‌دهنده اهمیت و حساسیت این حق در روابط میان اداره‌کنندگان و اداره شوندگان دارد که در حقوق ایران و تحت تأثیر احکام اسلامی تحت عنوان اصل تسلیط شهرت یافته است و به نظر می‌رسد با توجه به اصل مزبور سلب تملک صرفاً در راستای منافع عمومی در راستای پرداخت بهای عادلانه قابل‌پذیرش است و شورای نگهبان یا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری معیار منطقی در این خصوص می‌بایست ارائه دهند و صرف پرداخت وجه دلیلی بر سلب تملک محسوب نگردد. چراکه فقهای شورای نگهبان در دادنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۹۰/ ۳ / ۳۰ مبنی بر ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر مرند مبنی بر آزاد شدن مسیر بدون دریافت هزینه را خلاف شرع دانست و به نظر می‌رسد در صورت پرداخت وجه بدون توجه به اینکه سلب مالکیت برای منافع عمومی باشد یا نباشد موافق شرع قلمداد گردد که به نظر می‌رسد این امر خلاف اصول ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی و اصل تسلیط است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

٦. نتیجه گیری

اهمیت تجزیه‌وتحلیل اصل رعایت موازین اسلامی در نظام حقوقی ایران فراتر از اثر محدودکننده‌ای است که می‌تواند بر روی بحث‌های مربوط به تمرکززدایی داشته باشد. در حقیقت یکی از مسئله‌های محوری و اصلی مفهوم تمرکززدایی از نوع ایرانی خود در بطن همین بحث جای داشته و با واکاوی آن می‌توان به نکات و نقدهای دیگری نیز در این حوزه دست‌یافت. با مراجعه به قوانین گذشته و فعلی از جمله قانون دیوان عدالت اداری و قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صرفاً و آن‌هم به‌صورت موردی هرگاه مصوبه مورد شکایت با موازین شرعی مغایرت داشته باشد، موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌گردد و به‌صورت کلی بر مصوبات شوراهای محلی از بابت مغایرت یا عدم مغایرت آن با موازین شرعی ضمانت اجرایی پیش‌بینی‌نشده است که از این حیث نیازمند بازنگری در قوانین است. از طرفی نظر به اینکه رعایت موازین اسلامی در زمره اصول محدودکننده نظام عدم تمرکز اداری است و با توجه به اینکه صرفاً از بابت ابطال مصوبات در راستای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ۸۷ قانون آیین دادرسی و تشکیلات دیوان عدالت اداری موضوع از طریق فقهای شورای نگهبان اظهارنظر می‌شود و همچنین حسب ماده ۱۲ همان قانون ابطال مصوبات در صلاحیت عمومی دیوان عدالت اداری است نه شعب دیوان. به عبارتی در راستای حفظ اطلاق اصل چهارم و اجرای اصل ۱۷۰ قانون اساسی، می‌توان میان دو اصل مذکور به این صورت جمع کرد که؛ تقاضای ابطال تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی مخالف با مقررات اسلامی در دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد، لکن تشخیص این مخالفت بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.

نهایتاً باید معتقد بود عدم پیش بینی ضمانت اجرای خلاف شرع بودن تصمیمات مقامات محلی در قانون اساسی و از طرفی سازوکار پیش بینی شده در قانون دیوان عدالت اداری بلحاظ صلاحیت هیات عمومی دیوان عدالت اداری و آن هم بصورت موردی نمی تواند تضمین مناسبی برای تحقق اصل رعایت موازین اسلامی بر تصمیمات واحدهای محلی باشد و راهکار عملی استفاده از ظرفیت سازمان‌های نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور یا تشکیل کارگروه های استانی زیر نظر فقهای شورای نگهبان جهت بررسی مصوبات شوراهای اسلامی است و در صورت مغایرت با موازین اسلامی از دیوان عدالت اداری نسبت به ابطال آن اقدام گردد همانطور که قانونگذار در ماده ۹۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران در راستای مغایر نبودن مصوبات شوراهای اسلامی با قانون نهادی همچون ((هئیت تطبیق مصوبات شوراهای اسلامی با قوانین)) با حضور نمایندگان قوه قضاییه، وزارت کشور و یکی از اعضای شورای اسلامی پیش بینی نموده است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

منابع

کتاب ها:

قرآن کریم

ارسطا، محمد جواد (۱۳۸۹) نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، قم: بوستان کتاب
امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۱) حقوق اداری، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات میزان.
عمید، حسن(۱۳۸۹) فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ نما.
کعبی، عباس (۱۳۹۳) مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، تحلیل مبانی اصل چهارم قانون اساسی، تهران: نشر پژوهشکده شورای نگهبان.
محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵) قواعد فقه بخش مدنی، چاپ چهاردهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
معین، محمد (۱۳۸۸) فرهنگ فارسی، جلد چهارم، چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
هداوند، مهدی؛ مشهدی، علی (۱۳۸۹) اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

مقاله ها:

آقایی طوق، مسلم (۱۳۹٦) «نگرش تطبیقی بر عدم تمرکز محلی در ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۱۸، ٤٥-٦٥.
امینی، منصور؛ کاشانی، سید صادق (۱۳۹٦) « احترام به‌حق مالکیت در حقوق اساسی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی (دانشگاه شهید بهشتی)، شماره ۷۹، ۱۷۱-۱۹۳.
پروین، خیرالله؛ افکار سرند، حمید؛ درویش متولی، میثم (۱۳۹۱) «حکومت اصل چهارم قانون اساسی بر عموم و اطلاق سایر اصول، قوانین و مقررات»، مجله حکومت اسلامی، شماره ٦٦. ۱۰۸-۱۳۲.
جلالی، محمد (۱۳۹۱) «اصول تحدیدکننده‌ی تمرکززدایی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مقایسه‌ای با جمهوری فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ٦۰، ۳۲۳-۳٦۷.
حسینی خامنه‌ای، سید محمد (۱۳٦۹) «مقاله اصل چهارم قانون اساسی»، کانون وکلا، شماره ۱۵۲ و ۱۵۳، ٤۲-۷.
هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۱) «مکتب فقهی اهل‌بیت (ع)»، نشریه فقه اهل‌بیت، شماره ۳۲.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۱۰۸

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

ناصحی، میثم؛ فقیه حبیبی، علی؛ صداقتی، کیوان (۱٤۰۲)، «تأملی بر اصل رعایت موازین اسلامی در حکومت های محلی با تاکید بر آرای دیوان عدالت اداری» فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س۱۳، ش۱، بهار ۱٤۰۲، صص ۱۸۷-۱۷۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]